

بسم الله الرحمن الرحيم

فصل اول: پدیده وحی

واژه وحی در قرآن به چهار معنی آمده است:

۱. اشاره پنهانی: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا»
۲. هدایت غریزی: «وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ» «وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا...»
۳. الهام (سروش غیبی): «وَأَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّ مُوسَى» «وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىكَ مِرَّةً أُخْرَى إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّكَ مَا يُوحَى»

قرآن وحی را به معنای وسوسه‌های شیطان نیز به کار برده است: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا...» و «وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ...»

- وحی شیطانی همان است که در سوره ناس آمده: «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ»
۴. وحی رسالی: «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا» - «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ»

وحی چیزی نیست جز آگاهی باطن که بر اثر سروش غیبی انجام می‌گیرد.

اقسام وحی رسالی:

۱. وحی مستقیم: پیغمبر اسلام (ص) در این باره گوید: «إِنَّ رُوحَ الْقُدُسِ يَنْفِثُ فِي رُوعِي»
۲. خلق صوت: «أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ»

• وحی بر حضرت موسی (ع) بویژه در کوه طور

• وحی بر پیغمبر اسلام (ص) در لیلۃ المعراج

۳. القای وحی به وسیله فرشته وحی: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ» «فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ»

کاتبان وحی:

امّی:

- منسوب به امّ (مادر) است و کسی را گویند که همچون روزی که از مادر زاده شده است فاقد سواد باشد.
- منسوب به امّ القرى (شهر مکه)؛ یعنی کسی که در مکه زاده شده است.

احتمال نخست مشهورتر است

اولین کسی که در مکه عهده‌دار کتابت مخصوصا کتابت وحی شد؛ **علی بن ابی طالب** (ع) بود و تا آخرین روز حیات پیامبر به این کار ادامه داد. عهده‌دار معاهده‌ها و صلحنامه‌های پیغمبر (ص)، **علی بن ابی طالب** بود.

اولین کسی که در مدینه عهده‌دار کتابت وحی گردید، **أبی بن کعب انصاری** بود. در «یکی کردن مصاحف در عهد عثمان» به او سرپرستی گروه داده شد و هرگاه در مواردی اختلاف پیش می‌آمد، با نظر ابی، مشکل حل می‌شد.

زید بن ثابت بیش از دیگر اصحاب، ملازم پیغمبر (ص) برای نوشتن بود و بیشتر نامه‌نگاری می‌کرد.

عمده‌ترین کاتبان وحی، علی بن ابی طالب، ابی بن کعب و زید بن ثابت بودند. کاتبان رسمی سه نفر فوق و ابن ارقم بودند.

نخستین کسی که از قریش برای پیغمبر کتابت نمود **عبد الله بن سعد بن ابی سرح** بود، سپس مرتد شد و به سوی مکه بازگشت و آیه ۹۳ سوره انعام در شأن او نازل شد: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ...».

فصل دوم: نزول قرآن

حکمت تدریجی بودن نزول قرآن، این است که پیغمبر اکرم (ص) و مسلمانان احساس کنند همواره مورد عنایت خاص پروردگار قرار دارند.

آغاز وحی رسالی (بعثت) در ۲۷ ماه رجب، ۱۳ سال پیش از هجرت (۶۰۹ میلادی) بود. ولی نزول قرآن به عنوان کتاب آسمانی، سه سال تأخیر داشت. این سه سال را به نام «فترت» «۱» می‌خوانند.

مدت نزول تدریجی قرآن بیست سال است؛ سه سال بعد از بعثت آغاز و تا آخرین سال حیات پیغمبر (ص) ادامه داشت.

چرا به سوره حمد «**فاتحه الكتاب**» می‌گویند، اگر این نام را در زمان حیات پیغمبر (ص) بر آن سوره اطلاق کرده باشند، بدین دلیل است که **اولین سوره کاملی است که بر پیغمبر نازل شده است.**

شیخ مفید- درباره گفتار صدوق که برای قرآن دو نزول فرض کرده است: دفعی و تدریجی- می‌گوید:

منشأ آنچه شیخ ابو جعفر صدوق برگزیده خبر واحدی است که نه موجب علم می‌شود تا آن را باور کرد و نه موجب عمل می‌گردد تا آن را تعبدا پذیرفت.

سؤال: چگونه نزول قرآن در شب قدر انجام گرفته است در حالی که قرآن در مدت بیست سال، نجومی یعنی قطعه قطعه و در مناسبت‌های مختلف و پیشامدهای گوناگون، نازل شده است؟

پاسخ:

۱. نظر اول. آغاز نزول قرآن در شب قدر بوده است، چنانکه از ظاهر آیه «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ...» به دست می‌آید. بیشتر محققین این رأی را برگزیده‌اند.
۲. نظر دوم. گروهی معتقدند که در شب قدر هر سال، آن اندازه از قرآن که نیاز سال بود یکجا بر پیغمبر (ص) نازل می‌شد، سپس همان آیات تدریجاً در ضمن سال، بر حسب مناسبت‌ها و پیشامدها نازل می‌گردیده است. این نظر را به ابن جریج، عبد الملک بن عبد العزیز بن جریج (متوفای ۱۵۰)، نسبت داده‌اند.

۳. نظر سوم. مقصود از «أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» انزال فی شأنه یا فی فضله القرآن است.
۴. نظر چهارم. بیشتر آیات قرآن در ماه مبارک رمضان نازل شده است که برخی علما مانند سید قطب آن را به صورت احتمال آورده‌اند؛ «۴» ولی هیچ نشانه‌ای برای اثبات این نظر، در دست نیست.

۵. نظر پنجم. گروهی معتقدند که قرآن دو نزول داشته است: دفعی و تدریجی. این نظر شاید مشهورترین نظر نزد اهل حدیث باشد و منشأ آن روایاتی است که این تفصیل در آنها آمده است. جلال الدین سیوطی می‌گوید: صحیحترین و مشهورترین اقوال همین قول است.

• طبق روایات اهل سنت قرآن یکجا از عرش بر آسمان اول (پایین‌ترین آسمانها) نازل گردید، آنگاه در جایگاهی به نام «بیت العزّة» به ودیعت نهاده شد، ولی در روایات شیعه آمده است که قرآن از عرش بر آسمان چهارم فرود آمد و در «بیت معمور» نهاده شد.

در زمینه نزول دفعی و تدریجی قرآن، بزرگان توجیهاتی دارند که بیشتر جنبه تأویل احادیث را دارد:

✓ مقصود از نزول دفعی قرآن بر پیغمبر اکرم (ص) در شب قدر، آگاهی دادن ایشان به محتوای کلی قرآن است. این تأویل در کلام شیخ صدوق آمده است.

✓ فیض کاشانی بیت معمور را قلب پیغمبر دانسته است؛ زیرا قلب آن بزرگوار خانه معمور خداست که در آسمان (رتبه) چهارم جهان ماده قرار دارد. پیامبر، مراتب جماد و نبات و حیوان را پشت سر گذارد و به اوج مرتبه چهارم یعنی جهان انسانیت نایل گشت.

✓ . ابو عبد الله زنجانی می‌گوید: روح قرآن که اهداف عالی قرآن است و جنبه‌های کلی دارد، در آن شب بر قلب پاک پیغمبر اکرم تجلی یافت «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ»؛ سپس در طول سالها بر زبان مبارکش ظاهر شد «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا».

✓ علامه طباطبایی همین تأویل را با بیانی لطیفتر مطرح کرده و فرموده است: اساسا قرآن دارای وجود و حقیقتی دیگر است که در پس پرده وجود ظاهری خود پنهان و از دید و درک معمولی به دور است. قرآن در وجود باطنی خود از هرگونه تجزیه و تفصیل عاری است، نه جزء دارد و نه فصل و نه آیه و نه سوره. بلکه یک وحدت حقیقی به هم پیوسته و مستحکمی است که در جایگاه بلند خود استوار و از دسترس همگان به دور است. پس قرآن دارای دو وجود است: ظاهری در قالب الفاظ و عبارات و باطنی در جایگاه اصلی خود؛ لذا قرآن در شب قدر با وجود باطنی و اصلی خود که دارای حقیقت واحدی است یکجا بر قلب پیغمبر اکرم (ص) فرود آمد، سپس تدریجا با وجود تفصیلی و ظاهری خود در فاصله‌های زمانی و در مناسبت‌های مختلف و پیشامدهای گوناگون در مدت نبوت نازل گردید.

✓ نظر آیه الله معرفت: آیات مورد بحث راجع به شروع نزول وحی است بنابراین نزول دفعی نداریم و کلا نزول تدریجی بوده است. زیرا قرآن از قرانی صحبت میکند که در دسترس مردم است نه آنچه که در لوح محفوظ است زیرا میخواهد شان شب قدر را بالا ببرد در ضمن چه سودی دارد که مثلا قرآن از عرش در شب قدر بر آسمان چهارم نازل شود؟

اولین چیزی که جبرئیل به پیغمبر تعلیم داد، نماز و وضو بود که لازمه آن مقرون بودن بعثت با نزول سوره حمد است. جلال الدین سیوطی می‌گوید: هرگز نبوده است که نماز در اسلام بدون فاتحه الکتاب باشد.

میان این سه نظر راجع به اولین آیه و سوره می‌توان به گونه‌ای جمع کرد؛ زیرا نزول سه یا پنج آیه از اول سوره علق به طور قطع با آغاز بعثت مقارن بوده است و

این مسأله مورد اتفاق نظر است. سپس چند آیه از ابتدای سوره مدثر نازل شده است، ولی اولین سوره کامل که بر پیغمبر نازل گردیده سوره حمد است. در روایات منقول از اهل بیت (علیهم السلام) آمده است که آخرین سوره، سوره نصر است.

در بسیاری از روایات آمده است: آخرین آیه که بر پیغمبر اکرم (ص) نازل شد این آیه بود: «وَأَتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ».

✓ احمد بن ابی یعقوب مشهور به ابن واضح یعقوبی: آخرین آیه نازل شده بر پیغمبر اکرم (ص) این آیه بود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا».

سوره نصر پیش از سوره براءت نازل شده است. آخرین سوره کامل سوره نصر است و آخرین سوره به اعتبار آیات نخستین آن، سوره براءت است. گفته ابن واضح یعقوبی، صحیحتر به نظر می‌رسد

طبق آماري که از روایات ترتیب نزول به دست می‌آید، ۸۶ سوره مکی و ۲۸ سوره مدنی است که در این گروه‌بندی سه معیار وجود دارد:

✓ معیار زمان. «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ...» بر اساس ملاک که پس از خروج از مکه در راه بر پیغمبر نازل شده، مکی است.

✓ معیار مکان. هرچه در شهر مکه و پیرامون آن نازل شده مکی است و هرچه در مدینه و پیرامون آن نازل گردیده مدنی است.

✓ معیار خطاب. هر سوره‌ای که در آن، خطاب به مشرکان می‌کند مکی و هر سوره‌ای که در آن خطاب به مؤمنان می‌کند، مدنی است.

از عبد الله بن مسعود روایت کرده است: هر سوره‌ای که در آن «یا ایها الناس» آمده باشد یا لفظ «کَلَّا» استعمال شده باشد یا در ابتدای آن حروف مقطعه باشد- جز زهراوین (بقره و آل- عمران) و نیز سوره رعد که بنا بر قولی مدنی است- یا در آن قصه آدم و ابلیس آمده باشد- جز سوره‌های طولانی- یا سوره‌ای که در آن سرگذشت انبیای سلف و امتهای گذشته آمده باشد مکی است و هر سوره‌ای که در آن از فریضه و تکالیف و حدود شرعی سخن گفته شده باشد، مدنی است.

ملاک تشخیص مکی و مدنی، یا نقل و خبر است که اصطلاحاً سماعی می‌گویند و یا اجتهاد و شواهد ظاهری و صورت جمله‌بندی و داشتن سجع و وزن و کوتاهی آیات و سوره‌هاست یا شواهد محتوایی است، بدین معنی که شکل بیان اصول عقاید و احکام و برخورد با کفار و منافقین نشانه مکی و مدنی بودن سوره است. در ترتیب نزول سوره‌ها، روایاتی در دست است که مورد اعتماد بزرگان علم است و عمدتاً از ابن عباس نقل شده است.

امام بدر الدین زرکشی، اولین محقق مسائل قرآنی

امام احمد بن حنبل می‌گوید: «سه چیز اصل و پایه درستی ندارد: روایاتی که درباره جنگهای صدر اسلام ثبت شده، روایاتی که درباره فتنه‌های آخرالزمان گفته شده است و روایاتی که درباره تفسیر و تأویل قرآن آورده‌اند».

معروفترین کسی که در اسباب نزول مطالبی جمع‌آوری کرده است، ابو الحسن علی بن احمد واحدی نیشابوری (متوفای ۴۶۸) است که جلال الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱) بر او خرده گرفته است و می‌گوید که در فراهم کردن روایات ضعیف همت گماشته، صحیح و سقیم را به هم آمیخته.

شان نزول اعم از سبب نزول است.

در اصطلاح سلف، تنزیل بر مورد نزول گفته می‌شود که می‌تواند یک واقعه خاص باشد که آن واقعه سبب نزول آیه شده است؛ ولی تأویل مفهوم عامی است که از آیه برداشت می‌شود و قابل انطباق بر جریانات مشابه است.

اسباب النزول واحدی و لباب النقول سیوطی

در اسباب النزول تشخیص درست از نادرست، مخصوصاً در موارد تعارض، به یکی از راههای زیر امکان دارد:

✓ باید سند روایت، بویژه آخرین کسی که روایت به او منتهی می‌شود مورد اطمینان باشد، یعنی یا معصوم باشد یا صحابی مورد اطمینان، مانند عبد الله بن مسعود و ابی بن کعب و ابن عباس یا از تابعین عالیقدر باشد، مانند مجاهد، سعید بن جبیر و سعید بن مسیب.

✓ باید تواتر یا استفاضه (کثرت نقل) روایات ثابت شده باشد.

✓ به طور قطعی اشکال را حلّ و ابهام را رفع کند که این خود شاهد صدق آن حدیث خواهد بود گرچه از لحاظ سند به اصطلاح علم الحدیث روایت صحیح یا حسن نباشد.

طبرسی در مجمع البیان به نامهای قرآن، فرقان، کتاب و ذکر اکتفا کرده است. راغب اصفهانی می‌گوید: هر جمله‌ای از قرآن را که بر حکمی از احکام دلالت کند، آیه گویند.

اشتمال هر سوره بر تعدادی آیات، یک امر توقیفی است و کوچکترین سوره، سوره کوثر، مشتمل بر سه آیه است و بزرگترین سوره، سوره بقره مشتمل بر ۲۸۶ آیه است. اسامی سوره‌ها مانند تعداد آیات هر سوره توقیفی است. کوتاهی و بلندی هر آیه به مطالب مندرج در آن بستگی ندارد و صرفاً امر توقیفی است.

رعد/ تنها سوره‌ای (آیه ۱۳) است که از تسبیح رعد سخن گفته شده است.

اسامی بخشهای مختلف سوره‌های قرآن

۱. سبع طوال. هفت سوره طولانی بقره، آل عمران، نساء، أعراف، أنعام، مائده و یونس.
۲. مئین. سوره‌هایی که عدد آیات آنها از صد متجاوز است، ولی از لحاظ حجم به سبع طوال نمی‌رسند که نزدیک به دوازده سوره‌اند و عبارتند از: هود، یوسف، نحل، کهف، مریم و

۳. مثنائی. سوره‌هایی که عدد آیات آنها زیر صد قرار دارد و نزدیک بیست سوره‌اند و از این جهت مثنائی گفته می‌شوند که قابل تکرارند و به جهت کوتاه بودن بیش از یک مرتبه تلاوت می‌شوند.

۴. حوامیم. هفت سوره‌ای که با حروف «حم» شروع می‌شود که عبارتند از: مؤمن، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جاثیه و أحقاف.

۵. ممتحنات. نزدیک به بیست سوره‌اند و عبارتند از: فتح، حشر، سجده، طلاق، ن و القلم، حجرات، تبارک، تغابن، منافقون، جمعه، صف، جن، نوح، مجادله، ممتحنه و تحریم.

۶. مفصّلات. از سوره الرحمن تا آخر قرآن است؛ چون فواصل (آیه‌های) این سوره‌ها کوتاه است بدین نام نامیده شده‌اند.

عدد صحیح آیات، طبق روایت کوفیین که صحیحترین و قطعی‌ترین روایات است، ۶۲۳۶ آیه است که از مولی امیر مؤمنان روایت شده است «۱» و اکنون عدد آیات قرآن در مصحف شریف همین رقم است. این شمارش، مبنی بر آن است که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ»* در سوره حمد یک آیه محسوب شود و در دیگر سوره‌ها آیه مستقل به حساب نیامده باشد.^۲

فصل سوم: جمع و تألیف قرآن

ترتیب، نظم و عدد آیات در هر سوره در زمان حیات پیغمبر اکرم (ص) و با دستور آن بزرگوار انجام شده و توقیفی است و باید آن را تعبداً پذیرفت و به همان ترتیب سوره‌ای را تلاوت کرد.

درباره نظم و ترتیب سوره‌ها میان اهل نظر اختلاف است: سید مرتضی علم‌الهدی و آیت الله خویی، برآنند که قرآن همچنان که هست، در زمان حیات پیامبر (ص) شکل گرفته است. بیشتر محققین و تاریخ‌نویسان براساس روایات وارد شده در این باره، برآنند که جمع و ترتیب سوره‌ها بعد از وفات پیغمبر (ص) برای نخستین بار به دست علی، امیر مؤمنان (ع)، سپس زید بن ثابت و دیگر صحابه بزرگوار انجام گرفت و تقریباً جمع قرآن به دست صحابه، پس از رحلت پیامبر (ص) از امور مسلم تاریخ است.

علی (ع) نخستین کسی بود که پس از وفات پیغمبر (ص) به جمع قرآن مشغول شد و بر حسب روایات مدت شش ماه در منزل نشست و این کار را به انجام رساند. ابن ندیم گوید: اولین مصحفی که گردآوری شد مصحف علی بود و این مصحف نزد آل جعفر بود.

وصف مصحف علی (ع):

- ترتیب دقیق آیات و سوره، طبق نزول آنها، مکی پیش از مدنی در این مصحف رعایت شده بود
 - قرائت آیات، طبق قرائت پیغمبر اکرم (ص) که اصیلترین قرائت بود، ثبت شده بود و هرگز برای اختلاف قرائت در آن راهی نبود.
 - این مصحف مشتمل بر تنزیل و تأویل بود؛ یعنی موارد نزول و مناسبت‌هایی را که موجب نزول آیات و سوره‌ها بود، توضیح می‌داد، البته در حاشیه مصحف.
- خلیفه اول، از زید بن ثابت برای جمع قرآن دعوت کرد. نخستین اقدام وی آن بود که اعلام کرد: هر کس هرچه از قرآن نزد خود دارد، بیاورد. از هیچ کس، هیچ چیز را به عنوان قرآن نمی‌پذیرفتند، مگر آنکه دو شاهد ارائه دهند که آنچه آورده‌اند جزء قرآن است.

^۲ مجموع آیات تمام سوره قرآن ۶۲۳۶ آیه است که با روایت کوفیین از ابن ابی لیلی، او از ابو عبد الرحمن سلمی و او از امیر المؤمنین (ع) مطابق است.

شاهد اول، نسخه خطی، یعنی نوشته‌ای که حکایت از وحی قرآنی داشته باشد؛ **شاهد دوم، شاهد حفظی،** یعنی دیگران نیز شهادت دهند که آن را از زبان پیغمبر اکرم (ص) شنیده‌اند.

نخستین کسی که سوره‌های قرآن را مرتب نمود، سالم مولی ابی حذیفه بود. سالم عنوان مصحف را پیشنهاد کرد و گفت: همانند این کتاب (صحیفه‌های جمع شده) را در حبشه دیدم که آن را «مصحف» می‌گفتند. همه حاضران نام مصحف را برای صحیفه‌های جمع شده پذیرفتند.

مصحف ابن مسعود:

- ترتیب سوره‌ها چنین بود: سبع طوال، مئین، مثنی، حوامیم، ممتحنات و مفصلات.
- این مصحف ۱۱۱ سوره داشت؛ زیرا فاقد سوره حمد و سوره‌های معوذتین بود.
- ین مصحف در بسیاری از آیات و کلمات قرآنی، با مشهور مخالفت دارد؛ زیرا ابن مسعود بر این باور بود که می‌توان کلمات قرآن را به مترادف آن تبدیل کرد.

مصحف ابی بن کعب

- ترتیب سوره‌های مصحف ابی بن کعب تقریباً هماهنگ با ترتیب مصحف ابن مسعود بود.
 - دو سوره به نامهای خلع و حقد بیش از مصاحف دیگر دارد.
 - میان دو سوره فیل و قریش، بسم الله الرحمن الرحیم، نیامده و آن دو، یک سوره پنداشته شده است.
 - سوره زمر با «حم» شروع شده بود و در نتیجه حوامیم این مصحف به جای هفت سوره، هشت سوره است.
- مصحف عبد الله بن مسعود: مرجع اهل کوفه مصحف ابی بن کعب: مورد توجه مردم مدینه
مصحف ابو موسی اشعری: بصره مصحف مقداد بن اسود: دمشق

کمیته یکسان نمودن مصاحف:

زید بن ثابت که از انصار بود و سعید بن عاص و عبد الله بن زبیر و عبد الرحمن بن حارث بن هشام که از قریش بودند. این چهار تن اعضای اولیه کمیته یکی کردن مصحفها به‌شمار می‌آمدند که زید بر آنان ریاست داشت. آنان از عهده انجام این کار برنیامدند لذا از ابی بن کعب، مالک بن ابی عامر، کثیر بن افلح، انس بن مالک، عبد

اللّه بن عباس، مصعب بن سعد، عبد الله بن فطيمه و به روايت ابن سيرين و ابن سعد و ديگران از پنج تن ديگر كه جمعا ۱۲ نفر بودند كمك گرفتند.

حذيفه بن يمان اولين كسى بود كه درباره يكي كردن مصحفها سخن گفت و سوگند ياد كرد كه به نزد خليفه خواهد رفت و از او خواهد خواست كه فقط يك قرائت بين مسلمانان معمول باشد.

سال آغاز يكي كردن مصحفها: ابن حجر گفته است: آغاز اين امر، در سال بيست و پنجم هجرى، سال دوم يا سوم خلافت عثمان بود. استوارترين دليل بر اينكه تاريخ آغاز يكي كردن مصاحف به سال بيست و پنجم بوده، روايت ابن ابى داود از مصعب بن سعد است. كميته يكي كردن مصاحف در انجام مأموريت خود سه مرحله اساسى را طى كرد:

- ❖ جمع‌آوری منابع و مآخذ صحيح
- ❖ قابله مصحفهای واحد با يكدیگر
- ❖ جمع‌آوری مصحفها و يا صفحه‌هایی كه قرآن در آنها ثبت شده بود از جميع بلاد اسلامى و محو و نابود كردن آنها.

تنها مصحف ابن مسعود محفوظ مانده بود كه وى از تسليم آن به عبد الله بن عامر خوددارى كرد.

تعداد مصحفهای عثمانی:

ابن ابى داود تعداد آنها را شش مجلد مى‌داند كه هريك به يكي از شش مركز مهم اسلامى آن روز ارسال شد: مکه، کوفه، بصره، شام، بحرین و يمن. وى اضافه مى‌کند كه علاوه بر اين شش مجلد، يك جلد نيز در مدینه نگه داشته شد كه آن را به نام «امّ» و يا «امام» مى‌ناميدند.

ابن نجّار اولّين كسى است كه شرح حال مصحفهای مساجد را نوشته است.

مشخصات کلی مصحفهای عثمانی:

اين مصحفها به احزاب و اعشار و اخماس، تقسيم‌بندي نشده بود و مملو از غلطهای املايی و تناقضهایی در رسم الخط بوده است كه علت آن، ابتدایی بودن خطی است كه صحابه در آن زمان مى‌شناخته‌اند.

- ترتیب
- نداشتن نقطه و علامت
- غلطهای املايی

از خط نبطی، خط نسخ به وجود آمد که امروز نیز شناخته شده و باقی است و از خط سریانی، خط کوفی پیدا شد که خط حیری نامیده می‌شد.

ابن مقله، در آغاز قرن چهارم هجری در زیبایی خط نسخ کوشید و خط نسخ را به حد اعلای کمال خود رساند، به نحوی که هم‌اکنون متداول است.

وقتی حجاج بن یوسف ثقفی از جانب عبد الملک بن مروان (۷۵-۸۶ ه) حاکم عراق بود، مردم با به کار بردن نقطه در خط، حروف نقطه‌دار را از حروف بدون نقطه تمیز می‌دادند و این کار به وسیله یحیی بن یعمر و نصر بن عاصم، شاگردان ابو الاسود دثلی متداول شد. علت این عمل وجود موالی بود که در این وقت تعداد آنان رو به گسترش گذاشت.

علایمی که هم‌اکنون برای بیان حرکات حروف متداول است و مأخوذ از حروف می‌باشد، از ابتکارات خلیل بن احمد است.

وجود غلطهای املائی در مصحف، خللی در اساس و کرامت قرآن ایجاد نکرد؛ زیرا:

✓ واقع قرآن آن است که خوانده می‌شود، نه آنچه نوشته می‌شود. کتابت به هر اسلوبی باشد، مادام که قرائت صحیح و درست به نحوی که در زمان پیامبر (ص) و صحابه او متداول بوده، باقی باشد، موجب هیچ ضرر و زیانی نخواهد شد.

✓ تخطئه کتابت قرآن، ایرادی است به نویسندگان اولیه، از نظر جهل و یا سهل‌انگاری آنان، و ایرادی به خود کتاب نیست که «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ».

✓ غلطهای املائی در مصحف همچنین باقی بود و تغییر داده نشد و مسلمانان از عدم تغییر این اغلاط به سلامت کتاب خود و عدم تحریف آن در طی قرن‌ها، استناد می‌کردند.

نخستین کسی که در راه تکمیل کتابت مصحف و زیبایی خط آن قدم برداشت، خالد بن ابی الهیاج از اصحاب امیر المؤمنین علی (ع) بود که در حدود سال صدم هجری در گذشته است.

در اوائل قرن چهارم، خط زیبای نسخ، جای خط کوفی را گرفت و اولین مصحف به خط نسخ، به دست خطاط معروف، محمد بن علی بن الحسین بن مقله (۲۷۲-۳۲۸ ه) نوشته شد.

خط نسخ عربی، در قرن هفتم هجری به دست یاقوت بن عبد الله موصلی (متوفای ۶۸۹) به حدّ اعلای کمال خود رسید. او با خط زیبای خود، هفت مصحف نوشت. نخستین بار در حدود سال ۹۵۰ هجری مطابق ۱۵۴۳ میلادی، قرآن در بندقیه به چاپ رسید، ولی پس از چاپ، مقامات کلیسا به معدوم کردن آن دستور دادند. به سال ۱۲۰۰ هجری مطابق با ۱۷۸۵ میلادی، مولا عثمان در پترزبورگ روسیه، قرآن را چاپ کرد و این اولین چاپ اسلامی قرآن بود.

فصل چهارم: قرآء و قرائات سبع

پیوسته سلسله قرآء (قاریان بنام قرآن) و قرائات، قرن به قرن ادامه داشت تا اینکه در اوایل قرن چهارم ابو بکر ابن مجاهد (۲۴۵-۳۲۴)، شیخ القراء بغداد، قرائات را در هفت قرائت از هفت قاری بنام، به رسمیت شناخت.

اریان قرآن (قرآء معروف) راویان و ناقلان همان قرآنی هستند که بر پیغمبر (ص) نازل گردیده و اختلاف آنان از اختلاف در نقل و روایت آن نصّ، نشأت گرفته و آن به سبب عواملی است:

✓ اختلاف مصاحف اوّلیه، چه پیش از حادثه یکی کردن مصاحف در زمان عثمان و چه پس از آن.

✓ نارسایی خط و نوشته‌های قرآن که از هرگونه علایم مشخصه و حتی از نقطه عاری بوده است.

✓ ابتدایی بودن خط نزد عرب آن روز.

عوامل اختلاف قرائات

- ابتدایی بودن خط
- بی نقطه بودن حروف
- خالی بودن از علایم و حرکات
- نبودن الف در کلمات

استاد بزرگوار آیت الله خویی فرموده است: روشن نیست که اختلاف در قرائات، منسوب به نقل باشد. بلکه به اجتهادات قرآء منسوب است و مؤید آن، تصریح بزرگان در این زمینه است.

قرآء سبعة و راویان آنها:

❖ **ابن عامر قاری شام.** دو راوی او: هشام بن عمار و ابن ذکوان - هرگز ابن عامر را درک نکرده‌اند.

❖ **ابن کثیر قاری مکه.** دو راوی او: بزی و قنبل - هرگز او را درک نکرده‌اند.

❖ **عاصم قاری کوفه.** دو راوی او: حفص بن سلیمان و شعبه ابو بکر بن عیاش - حفص قرائت عاصم را دقیقتر و مضبوطتر می‌دانست و قرائت عاصم به وسیله او منتشر شده و تا امروز متداول است و همین قرائتی است که در اکثر کشورهای اسلامی رایج است.

❖ **ابو عمرو قاری بصره.** دو راوی او: حفص بن عمر و سوسی صالح بن زیاد - او را درک نکرده‌اند و به واسطه یزیدی قرائت را از او گرفته‌اند.

❖ **حمزه قاری کوفه.** دو راوی او: خلف بن هشام و خلاد بن خالد - که قرائت را با واسطه از او گرفته‌اند.

❖ **نافع قاری مدینه.** دو راوی او: عیسی بن میناء معروف به قالون، ورش، عثمان بن سعید - همین قرائتی است که در برخی از کشورهای مغرب عربی رایج است.

❖ **کسائی قاری کوفه.** دو راوی او: لیث بن خالد، حفص بن عمر.

پنج نفر از قراء سبعة به غیر از ابن عامر و ابو عمرو ایرانی الاصلند. عاصم، ابو عمرو، حمزه و کسائی، صریحا اظهار تشیع می‌نمودند.

اساسی‌ترین شرط تواتر آن است که از مبدأ تا مقصد در تمامی طبقات، نقل همگانی وجود داشته باشد بنابراین مسأله تواتر قرائات سبع، اساسا قابل تصور نبوده و معقول نیست؛ زیرا در زمان هریک از قاریان هفتگانه، ناقل تواتر صرفا خود آن قاری بوده نه دیگران، وگرنه آن قرائت بدو نسبت داده نمی‌شد و جنبه اختصاصی پیدا نمی‌کرد.

یگانه قرائتی که دارای سند صحیح و با پشتوانه جمهور استوار می‌باشد، قرائت حفص است که در طی قرون گذشته تا امروز، میان مسلمانان متداول بوده و هست و آن به چند سبب است:

➤ **سند طلایی را داراست؛** زیرا حفص از عاصم، او از ابو عبد الرحمن سلمی و او از

مولی امیر المؤمنین نقل کرده است.

➤ **توافق آن با قرائت همگانی و جماهیری مسلمانان است.**

➤ **عاصم شخصا دارای ویژگیهای بخصوصی بود که او را در میان مردم معروف ساخته و**

مورد اطمینان همگان بود.

امام احمد بن حنبل صرفاً قرائت عاصم را پذیرفته بود. حفص آگاهترین مردم به قرائت عاصم بود و پیوسته قرائت او مورد ستایش علما و فقهای امامیه بوده است.

فصل پنجم: دفع شبهه تحریف

منشأ این شبهه روایاتی است که در کتب حدیث اهل سنت و شیعه، درج شده است که به ظاهر تحریف کلام الله را می‌رساند. این روایات غالباً قابل تأویل بوده، تأویلاتی برای آنها ذکر شده است و در صورت قابل تأویل نبودن، کنار گذاشته می‌شود. بررسی شبهه تحریف به دلیل ارتباط با حجیت ظواهر قرآن اهمیت دارد.

در قرآن هر کجا واژه تحریف آمده تحریف معنوی اراده شده است.

تحریف در اصطلاح به هفت معنی آمده است:

۱. تحریف در دلالت کلام؛ یعنی تفسیر و تأویل ناروا
۲. آیه یا سوره را برخلاف ترتیب نزول در مصحف ثبت کردن
۳. اختلاف قرائت که برخلاف قرائت مشهور باشد
۴. اختلاف در لهجه. حدیث «نزل القرآن علی سبعة احرف» ناظر به اختلاف لهجه‌هاست.

۵. تبدیل کلمات، یعنی لفظی را از قرآن برداشتن و مرادف آن را جایگزین کردن
 ۶. در قرآن مطلبی (سوره، آیه، جمله و کلمه) را افزودن
 ۷. کاستن از قرآن. بیشتر بحث پیرامون مسأله تحریف در همین جاست.
- به دلیل برخی روایات اهل سنت - که «حشویه» آن را روایت کرده‌اند - و نیز روایاتی از شیعه - که «اخباریون» به آن دامن زده‌اند - مسأله کاستی از قرآن پیش آمده است.

دلایل نفی تحریف:

- گواهی تاریخ
- ضرورت تواتر قرآن اساساً خبر واحد در مسائل اصولی و کلامی فاقد اعتبار است و صرفاً در مسائل فرعی و عملی اعتبار دارد.
- مسأله اعجاز قرآن علما، مسأله اعجاز را بزرگترین دلیل بر ردّ شبهه تحریف دانسته‌اند. خوارج گفته‌اند که سوره یوسف تماماً بر قرآن افزوده شده است. عبد الله بن مسعود گمان برده است که دو سوره معوذتان دو دعای مبطل السحرند و جزء قرآن نیستند.
- ضمانت الهی
- عرضه روایات بر قرآن

• نصوص اهل بیت

• نظر علمای بزرگ شیعه رئیس المحدثین ابو جعفر صدوق تا زمان خاتم المحدثین شیخ

حرّ عاملی و نیز محدّث کاشانی، همه با محققین همراه بوده و منکر تحریف بوده‌اند.

اولین کسی که شهادت به نزاهت موضع شیعه داده است، ابو الحسن علی بن اسماعیل اشعری، شیخ اشاعره و بنیانگذار مکتب اشعری است.

روایات اهل سنت:

• آیه رجم

• آیه رغبت ان لا ترغبوا عن آبائکم فانه کفر بکم ان ترغبوا عن آبائکم

• آیه جهاد أن جاهدوا کما جاهدتم اول مرة

• آیه فراش الولد للفراش و للعاهر الحجر

از همه ناگوارتر، کتابی است به نام الفرقان که در عصر اخیر، به دست نویسنده مصری، محمد محمد عبد اللطیف معروف به ابن الخطیب، از علمای معروف مصر، نوشته شده است. در این کتاب این باورهای نادرست جمع‌آوری شده و بر آنها صحّه گذاشته شده است و به صرف اینکه در صحاح سته آمده، صحیح دانسته شده است.

روایات امامیه

نخستین کسی که در این زمینه کتاب نوشت و مسأله تحریف را مطرح نمود، سید

نعمت الله جزائری (متوفای ۱۱۱۲) بود که در کتاب **منبع الحیاء** این مسأله را

مورد بحث قرار داد و با دلایل چندی در صدد اثبات تحریف قرآن برآمد.

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» محمد بن جریر طبری در تفسیر این آیه می‌گوید: این آیه خطاب به قریش است تا خویشاوندی خود را با پیامبر به یاد آورند، از ایشان حمایت کنند و از شر دشمنان محفوظش بدارند. دلیل بر صحت اختیار رأی سابق، موضع «فی» در آیه است «الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى».

عبد الله بن الزبیر همواره سوره دهر را- که بزرگترین فضیلت اهل بیت است- مکی قلمداد می‌کرد تا رابطه آن را با قصه اطعام قطع کند.

فصل ششم: ترجمه قرآن

ترجمه مصدر فعل رباعی و به معنای تبیین و ایضاح است؛ از این‌رو نوشته‌هایی که شرح حال رجال را بیان می‌کند، کتب تراجم می‌نامند و شرح حال هریک از رجال را ترجمه او می‌گویند.

• ترجمه تحت اللفظی یا همگام می‌توان ترجمه همگام را نارساترین اسلوب ترجمه

دانست و مورد پسند محققین، مخصوصاً درباره کتب علمی نیست.

• ترجمه آزاد این اسلوب پسندیده‌ترین اسلوبهای ترجمه است و حق امانت را کاملاً رعایت کرده است. اینگونه ترجمه را ترجمه معنوی نیز گویند؛ زیرا بیشتر سعی بر انتقال کامل مفاهیم است نه تطابق لفظی

• ترجمه تفسیری

سه ویژگی اساسی قرآن:

• تمامی عبارات و الفاظ قرآن سخن خدا و ساخته خود اوست.

• قرآن کتاب هدایت همگانی است.

• قرآن معجزه جاوید اسلام است.

از نظر فقها- مخصوصاً فقهای امامیه- هیچ‌یک از احکام شرعی قرآن، بر ترجمه آن جاری نیست. رؤسای مذاهب دیگر نیز با امامیه اتفاق رأی دارند، جز ابوحنیفه و پیروان او که قرائت ترجمه سوره حمد را در نماز جایز شمرده و به روایتی در این زمینه تمسک بسته‌اند: گویند: پیغمبر اکرم (ص) به سلمان فارسی اجازه دادند تا سوره حمد را برای ایرانیان مسلمان مقیم جزیره العرب (یمن) ترجمه نماید تا در نماز بخوانند و کم‌کم عادت کنند.

رأی آیت الله خویی:

در ترجمه قرآن بیش از هر چیز، فهم دقیق خود قرآن شرط اساسی است. این فهم دقیق بر سه چیز استوار است:

۱. ظهور لفظی کلام، بدان گونه که عرب با سلیقه اولیه خود آن را درک می‌کرد.

۲. به کار انداختن خرد در فهم مطالب عالی قرآن که هرگز از عقل دور نبوده است.

۳. رجوع به تفاسیر سلف صالح بویژه ائمه اطهار تا مبادا راه گزافی را طی کند.

مخالفان ترجمه قرآن در مصر:

در مقابل اقدامات علمای ازهر، کوششهایی نیز به منظور جلوگیری از ترجمه قرآن، انجام می‌گرفت که سرپرستی و زعامت گروه معارض را شیخ محمد سلیمان، نیابت عالی محاکم شرعی، بر عهده داشت.

ترجمه قرآن یک رسالت است:

• دلیل اول. قرآن کتاب دعوت است.

• دلیل دوم. اسلام دین اختصاصی نیست.

- دلیل سوم. بر عهده هر مسلمان است تا ندای اسلام را به گوش جهانیان برساند.
- دلیل چهارم. غرض از فرستادن قرآن، تبیین و روشن ساختن آن برای جهانیان است، نه اینکه صرفاً تلاوت آن کنند.

سابقه ترجمه در اسلام: در هجرت نخستین مسلمانان به حبشه جعفر بن ابی طالب، قسمتی از سوره مریم را، برای نجاشی و وزرا و اعیان و شخصیت‌های حاضر در مجلس، ترجمه کرد. شیوه ترجمه تفسیر طبری چنین است که نخست نصّ قرآن به عربی آورده شده است، سپس ترجمه نصّ، آنگاه ترجمه تفسیر. **نخستین ترجمه فارسی قرآن** است که به دست ما رسیده است و شاید از کاملترین و شیواترین ترجمه‌های فارسی قرآن به‌شمار رود. کاملترین و مفصلترین شرح و تفسیر فارسی را، شیخ جمال الدین ابو الفتوح حسین بن علی بن محمد رازی از علما و دانشمندان قرن ششم در حجمی بسیار بزرگ به انجام رسانیده است.

شرایط ترجمه:

- باید با دقت تمام محتوای هر آیه با دلالت‌های لفظی آن، چه اصلی و چه تبعی، مورد عنایت قرار گیرد.
- باید با انتخاب نزدیکترین معانی و مناسبترین قالب در زبان مقصد، معنی و مفهوم کامل آیه در متن ترجمه شده ظاهر شود.
- ترجمه قرآن باید زیر نظر هیأت متخصصی باشد که به علوم مختلف دینی اشراف کافی داشته باشند تا متن مترجم از خطا و انحراف مصون باشد.
- باید حروف مقطعه در اوایل سوره بدون ترجمه و کلمات متشابه مانند «بُرْهَان» در آیه ۲۸ سوره یوسف، «دَابَّةٌ» در آیه ۸۲ سوره نمل و «اعراف» در آیه ۴۶ سوره اعراف به همان حالت ابهام ترجمه شود و از شرح و تبیین آنها خودداری شود.

- ضرورت دارد از استعمال مصطلحات علمی و فنی در ترجمه پرهیز کرد.
- لازم است متن ترجمه شده قرآن کنار متن عربی قرار بگیرد تا مراجعه‌کننده در صورت مواجه شدن با اشکال بدان مراجعه کند و این توهّم پیش نیاید که ترجمه می‌تواند جای قرآن را بگیرد.

✽ بدر الدین زرکشی و جلال الدین سیوطی، درباره کلمه «هُدُنَا» در آیه شریفه «وَأَكْتُبُ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدُّنَا إِلَيْكَ...» گمان برده‌اند از ریشه «هدی» است. بلکه «هدنا» هم‌وزن «قلنا» از ریشه «هاد یهود» هم‌وزن «قال یقول» به

معنای رجوع و بازگشت است که در آیه معنای توبه و بازگشت به سوی خدا را می‌دهد.

✿ راغب با آن قدرت علمی و علو مرتبه در ادب و لغت عرب، در کتاب مفردات آیه «وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ...» را در ماده «عنت» آورده است و به معنای «ذلت» و «خضعت» تفسیر کرده است. در صورتی که از ریشه «عنی» به معنای تذلل و استسلام است.

✿ الهی قمشه‌ای در ترجمه آیه «فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا» گمان برده است قوم و قبیله مریم بودند که آمدند مریم را همراه خود ببرند و چنین ترجمه کرده است: (آنگاه قوم مریم که به جانب او آمدند که از این مکان همراه ببرند گفتند...). در صورتی که ترجمه آیه چنین است: (مریم) در حالی که او را در آغوش گرفته بود، نزد قومش آورد، گفتند: ای مریم کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی). «وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ...» گمان برده است که ضمیر «كنت» خطاب است

✿ استاد محمد باقر بهبودی با آن دقتی که در کار ترجمه و تفسیر قرآن از خود نشان داده از اشتباهات فراوان در امان نبوده است. از جمله آیه «حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ...» اینگونه ترجمه کرده است: (تا آن لحظه‌ای که نخ سفید در اثر روشنایی نور فجر از نخ سیاه ممتاز شود). در این آیه «خیط» را به معنای حقیقی خود (نخ) پنداشته است. در صورتی که معنای کنایی آن مقصود است، یعنی رشته سفیدی، در سطح افق، از رشته سیاهی (تیرگی شب) نمایان شود.

✿ در ترجمه ابو القاسم پاینده نیز اشتباهاتی رخ داده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: در ترجمه آیه: «وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ...» چنین آورده است: (و ابراهیم آیین را به پسران خویش و یعقوب سفارش کرد: ای پسرکان من خدا دین را برای شما برگزید...). مترجم گمان برده «یعقوب» عطف بر «بنیه» است. در صورتی که عطف بر «ابراهیم» است و مرفوع.

«وَ اٰخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ...» را به تفاوت شب و روز ترجمه کرده است، در حالی که مقصود رفت و آمد شب و روز است که همان معنای تعاقب و پشت سر هم رفت و آمد کردن است و از ریشه «خلف» (پشت سر) گرفته شده است نه از ریشه «خلاف» به معنای مخالفت.

ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای تفسیری و رایجترین و پرتیراژترین ترجمه معاصر که در واقع همان ترجمه بصیر الملک به اضافه نکات تفسیری است.

ابو عبد الله زنجانی گوید: شاید اولین ترجمه به زبان لاتین (زبان علم در اروپا) در سال ۱۱۴۳ میلادی به وسیله «کنت» با همکاری «پطرس طلیطلی» و یک دانشمند عرب به انجام رسید. این ترجمه برای عرضه به «دی کلونی» انجام شد. مقصود از این کار نوشتن ردّ بر قرآن بود.